



مسئولین و مردم در میدان نبرد اقتصادی چه وظایفی دارند؟

فوریت‌ها و اولویت‌های اقتصاد جنگی



سرمقاله

✍ جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم به کشور عزیزمان ایران صدمات و لطمات جسمی و روحی و مادی و معنوی وارد کرد. دشمن متخاصم به خانه‌ها، کاشانه‌ها، محل‌های کسب و کار و اماکن شخصی خسارت زده و حق به‌فضاهای طبیعی و زیست محیطی کشور آسیب‌رسانده است. هجوم وحشیانه به مراکز آموزشی و درمانی، مانند جنایت رخ داده در مدرسه شجره طیبه میناب، نمونه‌ای از این ددمنشی‌هاست. آسیب‌های ساختاری و زیرساختی جنگ، غیرقابل انکار است و البته بررسی آن‌ها نباید ما را از ضربات کوبنده‌ای که مجاهدان اسلام و مدافعان ایران به دشمن زدند، غافل کند. دشمن به کشور ما حمله کرد، شرارت کرد و آسیب‌هایی زد، اما بیش از آن آسیب دید. مهم‌ترین ضربه‌ی ایران به دشمن متخاصم، تسریع در افول هژمونی سیاسی آمریکا و ظهور و بروز نظم نوین اقتصادی و سیاسی جهان بود. اگر قدرت‌نمایی نیروهای مسلح غیور ایران نبود، دشمن مجبور به آتش بس یک‌طرفه‌ی نظامی و تلاش برای پرنگ کردن جنگ اقتصادی نمی‌شد.

برای پیروزی در این مرحله‌ی جدید نبرد، دو اقدام ضروری است. امام شهید "قدس الله نفسه الزکیه" همواره به

دولت‌ها توصیه می‌کردند هم‌زمان به اولویت‌ها و فوریت‌ها در اقتصاد توجه کنند. اولویت‌ها، امور زیرساختی و کلان اقتصادی بودند و فوریت‌ها نیز تأمین سفره و معیشت مردم. توجه به همین دوگانه در پیام‌های رهبر معظم انقلاب "حفظه الله" نیز پررنگ است. ایشان در پیام خود به مناسبت چهل‌م قائل‌الشان‌مان، "کمبودها" را "اثر طبیعی هر جنگی" دانستند و از آحاد ملت خواستند "سعی در مراعات یکدیگر داشته باشند" تا از ناحیه‌ی این کمبودها، "فشار کمتری بر اقشار مختلف وارد شود".

این که در واقع اشاره به همان فوریت‌های اقتصاد است، درست نقطه‌ی مقابل دیدگاهی است که اساساً منکر هر گونه اثر جنگ بر اقتصاد و معیشت است. البته ایشان بلافاصله تأکید می‌کنند که این کمبودها بعضاً در جبهه مقابل مردم ایران خیلی بیشتر وجود دارد؛ کمبودهایی که بارها مسئولین آمریکایی به آن اعتراف کرده‌اند. مصاحبه‌ی وزیر خزانه‌داری آمریکا با نیوزمکس - که اخیراً در سرمقاله‌ای با عنوان "لاف زنی از زیر چرخ کامیون!" به آن پرداختیم - تنها یک مصداق از آن اعتراف‌هاست. به موازات پرداختن به فوریت امروز اقتصاد ما - یعنی

حل مسئله‌ی کمبود که بیش از همه در بخش انرژی مطرح است - ضرورت نوسازی و بازسازی خسارات جنگ تحمیلی دوم و سوم نیز از مطالبات مهم رهبر انقلاب از مسئولان است؛ تا جایی که در پیام به مناسبت آغاز سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم، از مجلس خواستند برنامه‌ی هفتم پیشرفت را بر این اساس اصلاح کنند. بنابراین، جنگ‌ای که سوکمبودهای موقت ایجاد کرده و از سویی خسارت‌هایی به زیرساخت‌ها وارد کرده است. در مقابل، مسئولان نیز باید هم به فوریت برای کمبودها چاره‌کنند و هم اولویت‌ها - یعنی نوسازی و بازسازی - را به طور جدی در دستور کار قرار دهند. در ادبیات رهبر معظم انقلاب "حفظه الله"، پرداختن به واقعیت‌های اقتصاد ایران و آسیب‌های اقتصادی ناشی از جنگ پررنگ است. چنین توجه و تأکیدی، مقدمه‌ی ضروری مطالبه از مسئولین برای حل مسائل اقتصادی و مشکلات مردم است. با این حال، ایشان هم‌زمان و به موازات روایت واقعیت‌های اقتصاد ایران، "استیصال آمریکا" و ابزارهای در اختیار ایران برای اعمال اقتدار - نظیر تنگه‌ی هرمز - را نیز روایت می‌کنند تا جماعت تسلیم طلب فارسی زبان با سوءاستفاده از مشکلات

اقتصادی ما، نسخه‌ی تسلیم نیچند. برای پیروزی در این نبرد اراده‌ها، البته مردم نیز نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. بر اساس پیام‌های رهبر انقلاب "حفظه الله" می‌توان برای آحاد مردم، در چهار سرفصل وظایفی را فهرست کرد: "حفظ انسجام و پرهیز از اختلافات"، "مواسات و مراعات متقابل"، "ایستادگی در برابر جنگ روانی دشمن" و "استمرار حضور در صحنه". بزرگنمایی مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ و انکار آن‌ها، دوبله‌ی یک قیچی هستند و هر یک به طریقی امکان نقش آفرینی مردم در این چهار سرفصل را سلب می‌کنند. اولی تسلیم و کرنش در برابر دشمن را تجویز می‌کند و دومی عملاً امکان کنش فعال همدلانه‌ی مردم و حاکمیت برای عبور از مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ را سلب می‌کند.

مردم ایران عزیز فریب این دوگانه‌های دروغین را نمی‌خورند. آثار و مشکلات جنگ را می‌بینند، استیصال اقتصادی و سیاسی دشمن را به دقت رصد می‌کنند، مولفه‌های قدرت ایران را پاس می‌دارند و با نقش آفرینی فعال در این مرحله از نبرد، زمینه‌ی تحقق ایران هر چه قوی‌تر فراهم می‌کنند.

#اعتراف پترائوس

پایگاه‌های آمریکا دیگر قابل استفاده نیستند

✍ جنگ ایران فقط معادله میدان نبرد را تغییر نداده، بلکه یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن، زیر سؤال رفتن امنیت زیرساخت‌هایی است که آمریکا سال‌ها برای تثبیت حضور نظامی خود در غرب آسیا به آن‌ها تکیه کرده است. حالا حتی مقاماتی که سال‌ها در رأس ساختار امنیتی آمریکا بوده‌اند، از تغییر این معادله سخن می‌گویند. دیوید پترائوس، فرمانده پیشین سنتکام و رئیس سابق سیا، با اشاره به حملات ایران گفت: «پایگاه‌های سابق ما دیگر قابل استفاده نیستند.» او مشخصاً به پایگاه‌های متعددی در قطر اشاره کرد و گفت به دنبال حملات ایران، فرمانده سنتکام دیگر عملیات را از مقر پیشین خود در این پایگاه، به دلیل غیرقابل استفاده بودن آن، هدایت نمی‌کند. به گفته پترائوس، مرکز عملیات هوایی مشترک نیز دیگر از این منطقه اداره نمی‌شود. در حالی که مقامات کنونی آمریکا سعی در پنهان کردن شکست‌های خود در برابر ایران دارند، این اظهارات بسیار مهم است. ایران توان موشکی و پهپادی خود را به سطحی رسانده که می‌تواند عمق استقرار نیروهای آمریکایی را با موفقیت هدف قرار دهد. این یعنی واشنگتن دیگر نمی‌تواند امنیت پایگاه‌های منطقه‌ای خود را مفروض بگیرد و ناچار است بخشی از محاسبات نظامی‌اش را بر اساس آسیب‌پذیری این مراکز بازتعریف کند. شاید مهم‌ترین پیام جنگ برای آمریکا همین باشد: با تثبیت اقتدار ایران، غرب آسیا دیگر منطقه‌ای نیست که بتوان در آن بدون هزینه و از پشت حصار پایگاه‌ها قدرت‌نمایی کرد.

قاب

گفتگوی صمیمانه یک کودک با فرزند رهبر شهید انقلاب در حاشیه مراسم چهل‌م شهید ایران

✍ گفتگوی جالب یک کودک با فرزند رهبر شهید انقلاب؛ و نشان دادن عکسی از آقای شهید و تلاش برای ثبت عکس سلفی توسط او؛ در حاشیه مراسم چهل‌م شهید ایران در حرم مطهر رضوی، پنج‌شنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۵.



جنگ منطقه‌ای

صورت حساب جنگ ایران در جیب مردم آمریکا

✍ جنگی که قرار بود با فشار بر ایران، موقعیت آمریکارا تقویت کند، حالا تبدیل به یک بحران داخلی در آمریکا شده است. مسئله فقط هزینه‌های نظامی نیست؛ فشار جنگ به زندگی روزمره آمریکایی‌ها و بخش‌های حیاتی اقتصاد این کشور هم رسیده است. نشریه نیوزویک در گزارشی به پیامدهای اقتصادی سیاست‌های جنگ طلبانه دولت ترامپ علیه ایران اشاره کرده و نوشته است افزایش قیمت‌ها و هزینه زندگی، فشار بیشتری بر شهروندان آمریکایی وارد کرده است. طبق این گزارش، قیمت گاز و بنزین ۲۶ درصد و هزینه‌های کلی انرژی ۱۵ درصد افزایش یافته و هم‌زمان بدهی آمریکا از ۴۰ تریلیون دلار عبور کرده است. این فشارها در عرصه سیاسی نیز بازتاب پیدا کرده و نظرسنجی دانشگاه مارکیت از پشتیبانی دموکرات‌ها با ۵۱ درصد در برابر ۴۵ درصد جمهوری خواهان حکایت دارد. اما تبعات جنگ به انرژی محدود نمانده است. آکسیوس از فشار مستقیم بر کشاورزان آمریکایی خبر داده است، به گونه‌ای که افزایش قیمت سوخت و رشد هزینه کود، هزینه‌های تولید را بالا برده است. طبق این گزارش، برای برخی کشاورزان اوهایو، هزینه سوخت نسبت به ژانویه ۲۵ هزار دلار افزایش یافته است. این ارقام نشان می‌دهد جنگ ایران برای واشنگتن فقط یک مسئله خارجی نیست. وقتی افزایش قیمت انرژی به کشاورزی، هزینه زندگی و در نهایت رضایت سیاسی جامعه منتقل می‌شود، هزینه جنگ از میدان نبرد عبور کرده و به داخل آمریکا می‌رسد.»